

# راستکی است، خوب نگاه اش کنید!

امیر جواهری لنگرودی  
amir\_772@hotmail.com



در پست فیس بوکی اش آمده است: «عثمان اسماعیلی؛ بازداشت شد» به همین سادگی .

کاک عثمان را با قامتی استوار در کنار چند قلم سطل و مال و تراز و نبردبان و فرچه رنگ زن، با قلبی به استواری زندگی کارگری اش و دیگر هیچ! در تصاویر بالا می بینیم. خوب نگاه کنیم، راستکی و خودش است!

انگار همه جا گله ای میریزند . در یورش شبانه و دزدانه به منزل سپیده قلیان دختر نام آشنای کشورمان چنین کردند .

اینبار به روایت کاک عثمان اسماعیلی، روز چهارشنبه مورخ ۲۸ مهر ۱۴۰۰ ساعت شش و چهل و پنج دقیقه غروب در مقابل مسکن مسکونی خود توسط ده ها نفر از نیروهای لباس شخصی بازداشت شد . قابل ذکر است که نیروهای امنیتی از صبح زود تا غروب محل کار و محل زیست این فعال کارگری را تحت کنترل داشتند.

این چندمین بار است کاک عثمان اسماعیلی را دستگیر کرده اند و هر بار هم با اتهام ناچسب و نخ نمای " تبلیغ علیه نظام " برایشانی اش می چسبانند .

کارگربا شرفی که از همه بضاعت این دنیای رنگارنگ، جزوسایل کارگری، سیمای براق و آتش زنه خود را در برابر نیروهای امنیتی و بازجویانش را به نمایش می گذارد.

وقتی به چهره ماندگار و مطمئن کارگر ساختمانی کاک عثمان دقیق می شوی، می بینی هر روز با "ماله دستی"، "فرچه رنگریزی دیواری"، "نردبان" و "تراز ساختمان" که بمثابة شاقلی خط نگهدار، در زندگی کارگری او ظاهر می گردد و از محیط کاری به محیط کاری دیگری برای ارائه کار ساختمانی در گذراست. لباس و قواره او را که نگاه می کنی؛ رنگ خالص معنی بخش شرافت و زحمت و تلاش را عیان می سازد و جلوه سرخ گونه صورتش را در برابر بازوان توانای او - که نان به سفره می برد -، شکوه رفتاری این کارگر شریف را به نمایش می گذارد، معنی دیگری از بود او را به نمایش می نهد و تو بُرش "جان شیفته" او را در محک زندگی کارگر ساختمانی درمی یابی که فخر می فرود می خرامد تا خود را سرفراز بنمایاند!

دستگاه امنیت استان کردستان باید شرمنده، همسر، فرزندان و نوه های و بیشمار هم طبقه ای او در بخش نقاشی ساختمان باشند که همکارشان را اینگونه زبونانه به بازداشتگاه می برند تا "سین" و "جین" نمایند.

کارگری که در هر جمع و محفلی حضور می یابد، تجلی استواری طبقه اش را به نمایش می گذارد. کاک عثمان روز دوشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۰ در مراسم خاکسپاری دفن "دایه آسه" در سنج شرکت کند و برای گل افشانی مادری جانباخته در برابر حضور صدها نفر در گورستان شهر، به حکم وظیفه سخن بگوید و برای دستگاه اطلاعات زپرتی کشور، "رد" امنیتی بجا بگذارد؟!!

تک دانه های تصویر او در تابلوی بالا، در برابر ابزار کارش، نمای واقعی کارگر ساختمانی ما را بسان پُر نمودارترین صورت ها به ما به رُخ می نمایاند. او را نه امروز بلکه به دفعات و به تنهایی و در کنار کاک "محمود صالحی" به بهانه عکس گذاشتن در فیس بوک به اعتبار تجمع اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در شهر سقز بازداشت کرده اند. او پیروز و سربلند با وجدانی راحت و آسوده، به درون شمع وجودی خانواده و هم طبقه ای های خود بازگشته و با گردنی سرفراز، سراز پای نشناخته و خود پیروز میدان شده است و روسیاهی برای زغال ماند!

باید در کله پوک خود فرو کنید و نیک دریابید، جای کارگرنندان نیست، همچنان که جای هیچ معلم - زن آزادیخواه و مطالبه گر - بازنشسته - وکیل و نویسنده و کنشگر مدنی و اجتماعی و دادخواهی زندان نیست.

بیشرف های ریزودرشت امنیتی ازجان کارگرساختمانی کاک عثمان اسماعیلی  
چه می خواهید؟!

اوبه ستیز مسلحانه علیه شما مشغول است که راحتش نمی گذارید؟!  
او عملیاتی محقیرالعقولی را فرماندهی می کند که به وحشت افتاده اید؟!  
اوسازمانگربلامنازع مردم شریف کردستان است که در برابر شما رُخ گشوده که  
اینگونه وحشیانه، با ابزار والات نظامی در لباس شخصی، نه یک نفرو دونفرو سه  
نفرو بلکه در جنگی نابرابر بر سر وی میریزید تا ابزار رعب و وحشت در جامعه  
ایجاد کنید و نفس کش بطلبید؟ کورخوانده اید!

بدانید و دریابید که اینگونه در سنگ فرش های کردستان، باد می کارید، کسی که  
باد می کارد طوفان در خواهد کرد ... گفته باشیم!